

«روز مشهد»؛ درگیر تناقض و یک واژه اضافه

به گفته مسئولان، حذف واژه «ملی» از پیشوند مشهد، شاید نام این شهر را به سر رسید برساند

گزارش
روز

یوسف زاده-محمد پور انتخاب روز مشهد بعد از پانزده سال پیگیری و رفت و آمد در مسیر پایتخت، همچنان در گیر و دار تشریفات اداری و تناقضات باقی مانده و هنوز راه به سر رسید کشور باز نگرده است. حالا تناقض ماچرا کجاست؟ اینجاست که شورای فرهنگ عمومی کشور یک روز واژه «ملی» را برای پیشوند نام گذاری یک شهر نمی پذیرد، یک روز نام گذاری خود شهر را زیر سؤال می برد و این فرایند را فقط و فقط برای نام گذاری روزی برای استان امکان پذیر می داند و در جدید ترین اظهار نظر دبیر این مجموعه، این بار، اصل بهانه نام گذاری مشهد را که همان دهم دی ماه، روز خروش شهروندان مشهدی علیه طاغوت است، زیر سؤال می برد.

برهان های خُلف

استان نام گذاری روزی برای مشهدی و مشهدی ها از سال ۱۴۰۱ شروع شد؛ زمانی که بعد از سال ها مطالبه رسانه ای و مردمی برای انتخاب روزی در خورشان شهر امام رضا^ع در تقویم کشور، شورای فرهنگ عمومی خراسان رضوی به پیشنهاد شورای اسلامی شهر مشهد برای انتخاب روز ۱۰ دی، رای مثبت داد و این پیشنهاد را به امید تأیید و تصویب مرجع بالاترش در تهران، راهی پایتخت کرد. این پیشنهاد البته از همان روزهای نخست با اقبال اعضای شورای فرهنگ عمومی کشور روبه رو نشد و یکی از مهم ترین دلایلیش، شامل نشدن جای گیری شهرها اعم از کلان شهرها و مراکز استان ها در فهرست روزهای ملی تقویم بود؛ موضوعی که حداقل تناقض آن

را در باره بعضی شهرهای کشور همچون شهر دزفول که چهارم خرداد را در تقویم شمسی به خود اختصاص داده است، می توان مشاهده کرد؛ بهانه ای که نمونه های دیگری هم دارد که با یک جست و جوی ساده در اینترنت، می توان موارد خلاف آن را بارها مشاهده کرد؛ از نام گذاری رسمی و غیر رسمی روزهایی برای استان های تهران، قم، اصفهان، مازندران، اردبیل، کرمان، کرمانشاه، زنجان، همدان، قزوین و بوشهر که بگذریم، شهرهای مختلفی را می بینیم که در ظاهر صاحب روزی خاص در مناسبت های سال هستند. به طور مثال در میان شهرها کلان شهرهای مرکز استان، روز بیست و یکم فروردین به عنوان روز کرج و ششم

یک روز دیگر را انتخاب کنید

اما در جدیدترین اظهار نظرها درباره این موضوع، حالا دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور در گفت و گو با شهرآرآ، مدعی شده است که یکی از عوامل مخالفت این شورا با انتخاب روز مشهد، خود عنوان روز «دهم دی ماه» است. به گفته قادر آشنا، نام گذاری ۱۰ دی به نام روز ملی مشهد خلاف قانون است؛ زیرا برای اکثر مردم کشور، واقعه تاریخی ۱۰ دی مشهد اصلا شناخته شده نیست و شورای فرهنگ عمومی خراسان رضوی باید با دقتی بیشتر، روز دیگری را پیشنهاد دهد. او از رد پیشنهاد نام گذاری ۱۰ دی به نام روز جهانی مشهد در شورای فرهنگ عمومی کشور خبر می دهد و می گوید: بر اساس تبصره ماده ۵ این نامه نحوه نام گذاری روزها و مناسبت های خاص، عناوین و نام های پیشنهادی برای نام گذاری روزها و مناسبت های منطقه ای باید به تصویب شورای فرهنگ عمومی کشور برسد تا در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شود اما پیش از آن، در دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی استان ها بررسی خواهد

شد و در بین این دو موقعیت نیز کارگروه مشخصی وجود دارد که این مسائل را بررسی می کند. از حدود سال ۱۴۰۲ که طرح نام گذاری ۱۰ دی به نام روز ملی مشهد در شورای فرهنگ عمومی خراسان رضوی تصویب شد، بررسی جزئیات این طرح به صورت غیر رسمی در کارگروه ملی نام گذاری و کمیته های تخصصی شورای فرهنگ عمومی کشور در دستور کار قرار گرفت. به گفته دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور، اگرچه مشهد الرضا^ع سالیانه میزبان بیش از ۳۰ میلیون زائر ایرانی و خارجی است و مضجع منور امام رضا^ع جنبه ای ملی و بین المللی به دومین کلان شهر بزرگ ایران بخشیده است، اما درباره نام گذاری ۱۰ دی به نام روز ملی مشهد، از همان ابتدا هم ایراد اصلی این بود که برای بیشتر مردم کشور، واقعه تاریخی ۱۰ دی مشهد اصلا شناخته شده نیست؛ «من صریح بگویم که حتی خودم هم تا پیش از آن روز نمی دانستم ماجرای ۱۰ دی مشهد چه بوده است و این مسئله، نام گذاری ۱۰ دی را غیر قانونی می کند.» وی ادامه می دهد: در اصل، قانون فقط

زمان نگار روز ملی مشهد

شروع مطالبات
توسط
روزنامه شهرآرآ

آذر ۱۳۸۹

انتشار
فراخوان رسمی
برای انتخاب روز

۱۳۹۳

بررسی
گزینه های مختلف
بدون نتیجه نهایی

سال های
۱۳۹۲ تا
۱۳۹۶

بررسی
۴۰ پیشنهاد
و انتخاب
کاندیداهای نهایی

از ۱۴۰۰

تصویب ۱۰ دی
به عنوان
روز ملی مشهد
در شورای فرهنگ
عمومی استان

۹ مهر ۱۴۰۰

ارسال به
شورای فرهنگ
عمومی کشور

پس از
۱۴ مهر

واژه «ملی» را برداریم شاید درست شود!

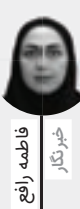
با این حال سرپرست دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی خراسان رضوی در گفت و گو با شهرآرآ، یکی از ایراد های اصلی انتخاب نشدن پیشنهاد استان برای روز مشهد را، پیشوند «ملی» قبل از واژه «مشهد» می داند و می گوید: پیشنهاد روز ملی مشهد یک بار در سال ۱۴۰۱ از استان به شورای فرهنگ عمومی کشور ارائه و در همان زمان برگشت داده شد. چند بار دیگر هم طی مکاتباتی که با تهران داشتیم، این مطالبه را خواستار شدیم که با آن ها هم مخالفت شد.

علیرضا سفیدیان به مهم ترین دلایل این مخالفت اشاره می کند و می افزاید: تهرانی ها می گویند اولاً در این زمینه چیزی به اسم روز ملی نداریم و ثانیاً باید نام گذاری مناطق مختلف به نام استان مربوط باشد؛ مثلاً روز، هفته یا دهه خراسان و در قالب همین نام گذاری شهرهای مختلف آن استان در این بازه زمانی مورد توجه قرار گیرد.

وی همچنین از مذاکره شفاهی که چند روز پیش با دبیر شورای فرهنگ عمومی کشور درباره روز مشهد داشته است، خبر می دهد و اضافه می کند: به ایشان پیشنهاد دادم برای تعیین تکلیف این موضوع، جلسه ای با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، استاندار خراسان رضوی، دبیران شورای فرهنگ عمومی و شورای انقلاب فرهنگی، اعضای شورای فرهنگ عمومی استان و مسئولان مربوط برگزار شود تا یک بار برای همیشه این موضوع را به سر منزل مقصود برسانیم.

سرپرست دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی خراسان رضوی در پاسخ به این سؤال که آیا با حذف واژه «ملی» از عنوان روز مشهد، می توان امید به موافقت با پایتخت برای انتخاب چنین روزی داشت، می گوید: بر اساس صحبت هایم با آقای آشنا، این موضوع قابل بررسی است و در صورت موافقت اعضای شورای فرهنگ عمومی کشور دور از ذهن نیست.

«روز مشهد» در گرو وفاق



یوسف زاده-محمد پور

و حالا، پس از سال ها، بایک «نه» قاطع مواجهیم. نه به روزی که قرار بود نام مشهد باشد؛ نه به تلاشی که از دل نخبگان برخاسته بود.

حالا گفته می شود شاید اگر واژه «ملی» برداشته شود، راهی برای بررسی باز شود. یعنی همه چیز، شاید فقط بر سر یک واژه متوقف مانده باشد.

پرسش ها هنوز تمام نشده اند. اگر مسئله فقط واژه «ملی» است، چرا پیش از تصویب نهایی در شورای فرهنگ عمومی استان، از فیلترهای شورای فرهنگ عمومی کشور اطمینان حاصل می شد؟ می شد پیش از آنکه استان تصمیم نهایی را بگیرد، نظر کارشناسان مرکز گرفته شود. می شد گفت و گویی شکل بگیرد، نه مکاتباتی که در کشوی دبیرخانه خاک بخورد. اما نشد

نیازمند چه نوع مستندات و چه سطحی از اجماع ملی است تا روزی به نامش در تقویم بنشیند؟

آیا این مسیر، از ابتدا برپایه گمان و امید پیش رفته است؟ امید به اینکه نام مشهد، خود به تنهایی کافی است؟ یا شاید، اعتماد به فرایندی که قرار بود روشن باشد، اما در عمل، پر از ابهام و رفت و آمدهای بی نتیجه شد؟

اما آیا مسئله فقط واژه است یا نبود ساز و کار روشن، نبود ارتباط مؤثر و نبود اراده ای برای همی میان استان و مرکز؟ اگر قرار است روزی به نام مشهد در تقویم ثبت شود، این بار باید با دقت باشد، با شناخت، با اجماع. نه با امیدوی خام، نه با واژه ای که مسیر را ببندد. مشهد، سزاوار روزی است که در تقویم بنشیند؛ نه با تردید و تعلیق، بلکه با اراده ای

روشن و هم داستان و این مسیر، نه از دل نامه نگاری های بی سرانجام، که از دل هم فکری صریح، گفت و گویی بی پیرایه و عزمی هم سو خواهد گذشت. فارغ از آنکه دهم دی ماه باشد یا روزی دیگر، آنچه باید خود به تنهایی کافی است؟ یا شاید، اعتماد به فرایندی که قرار بود روشن باشد، اما در عمل، پر از ابهام و رفت و آمدهای بی نتیجه شد؟

و نکته پایانی اینکه، روز مشهد، اگر به درستی فهمیده و به کار بسته شود، تنها یک یادبود تقویمی نخواهد بود؛ می تواند فرصتی باشد برای آنکه رسانه ها و مسئولان، به جای بازگویی کلیشه ها، از ظرفیت های نگار مشهد، از گردشگری سلامت و تاریخی تا اقتصاد زیارت و ظرفیت های علمی، روایتی تازه بیافرینند.

حدود پانزده سال است که «روز مشهد» مثل بذرخشکی بوده که هر بار وعده باران گرفته، اما هیچ گاه سبز نشده است. از نخستین پیشنهاد رسانه ای روزنامه شهرآرآ در سال ۱۳۸۹ تا مصوبه شورای فرهنگ عمومی استان در سال ۱۴۰۱، این مطالبه آرام آرام شکل گرفت؛ مطالبه ای از دل نخبگان و مسئولان فرهنگی و تصمیم سازان خراسان رضوی برای تثبیت جایگاه شهری که پایتخت معنوی ایران است و مضجع منور شمس الشموس^ع را در دل خود جای داده است. اما حالا، پس از همه این سال ها، آنچه به جای ثبت در تقویم مانده، مجموعه ای از تناقض ها و ابهام هاست. از یک سو، شورای فرهنگ عمومی استان خراسان رضوی در جلسه ای رسمی به تاریخ نهم

یادداشت